

نفر به نفر

هومن جعفری

روزنامه‌نگار ورزشی

آبی دریای خورشید

نوبت انگار رسیده به آرژانتینی‌ها! همان‌ها که یک خورشید روی دریای پرچمشان گذاشته‌اند به نشانه پیوند دریا و آسمان! نوبت رسیده به آنها تا جشن بگیرند و شاد باشند و زندگی به کامشان باشد و ایام در خدمتشان. نوش جانشان هم. قهرمان جهان شده‌اند و از آن مهم‌تر، پتانسیل مارادونا شدن مسی را سرانجام بالفعل کرده‌اند. دشمنان هم گرم. یکی گفت، اهل رومنس اگر باشید، طرفدار فرانسه نمی‌شوید. می‌روید سمت آرژانتین! راست می‌گفت. درست است که پاریس شهر عشاق است اما در زمین فوتبال آرژانتینی‌ها غزل‌های عاشقانه‌تری زیر گوشت زمزمه می‌کنند. غزل‌هایی که آنقدر ناب و دوست‌داشتنی است که از شنیدنش هوش از سرت به در می‌شود. آبی سفیدپوش‌ها حالا یک بار دیگر قهرمان جهانند. آنها دوباره بازار صادرات بازیکن به اروپا را رونقی دوچندان خواهند بخشید. دوباره سختی‌ها و مشقات زندگی در زمانه تورم را با رقص و شادی از یاد خواهند برد. دوباره سرمایه‌های خارجی را جذب باشگاه‌های بازیکن‌ساز خود خواهند کرد. اینها که نوشتیم، رقم می‌خورد. خیلی زود. سرمایه‌اش هم از لابی قطر تأمین می‌شود. عبابی که تن مسی شد، یک حق برند دارد که باید پرداخت شود. خیلی زود قطری‌ها در آرژانتین هم سرمایه‌گذاری می‌کنند. شرکتی می‌زنند و بازیکن جابه‌جا می‌کنند و سودش را به جیب می‌زنند و صدها و صدها بازیکن جوان را از مدارس فوتبال بیرون می‌کشند و سمت باشگاه‌هایی سوق می‌دهند که خودشان در اروپا خریده‌اند. آنجا رشدشان می‌دهند و بعد می‌فرستندشان به باشگاه‌های بزرگتر. آرژانتین این شانس را دارد که کمی از سهم بازار صادرات بازیکن برزیلی را به خود اختصاص بدهد. این دو با هم رقابت دیرینه دارند.

مسی به این جام نیاز نداشت، اما لایقش بود

ایمان گودرزی

روزنامه‌نگار ورزشی

مدت زیادی بود که آخرین قطعه از پازل فوق ستاره آرژانتینی کامل نمی‌شد. او یک بار تا

چند میلیمتری این جام رسید و دستش به آن نرسید. مسی برای رسیدن به این عنوان به چیزی بیشتر از جادویی که به نمایش می‌گذاشت نیاز داشت. او باید قلبه‌ای را که دیگو مارادونا در سال ۱۹۸۶ به آن صعود کرده بود فتح می‌کرد. آن هم به تنهایی، تکرار

افتخار آفرینی مارادونا سی و شش سال زمان برد اما ارزشش را داشت. آن هم دقیقاً شبیه به همان جام، فینالی که بارها توسط فرانسوی‌ها بازگشت و موفقیت دو بار به تعویق افتاد اما لثو می‌دانست یا حالا یا هیچ وقت. شاید جام ۲۰۲۲ و جام ۱۹۸۶ یک دوئل برای

این بود که نشان دهد کدام یک از این دو بازیکن نقش بیشتری در یک نمایش انفرادی بزرگ برای تیمشان داشتند، با تمام احترام به امیلیانو مارتینز، جولیان آلوارز، آتخل دی ماریا و الکسیس مک آلیستر باید گفت لیونل مسی برای این جام همه کار کرد و هیچ‌گاه

ناامید نشد. شاید این ناامید نشدن از همان کناره‌گیری از تیم ملی آغاز شد، این بار قوی‌تر و این بار بدون جا زدن! مسی بار دیگر جادو کرد و مارادونا این بار به جای فریاد از روی سکوها از آسمان به او نگاه کرد!

سایه روشن‌های یک قهرمانی شورانگیز

کلونی متحده‌ان یک پادشاه



شود که انتظارش را داشتیم. ستاره‌ای که علاوه بر گلزنی، نقش گلسازی و راهبری تیمش را نیز برعهده داشت و هر آنچه می‌خواست در زمین انجام می‌داد. آرژانتین ۲۰۲۲ یکی از کم‌ستاره‌ترین تیم‌های تاریخ فوتبال این کشور بود و به تیم متوسط‌ها معروف شده بود اما همین تیم متوسط با یک فوتبال سلحشورانه و چریکی از کاپیتان خود مراقبت کرد تا مسی مأموریت اصلی را انجام دهد. مأموریتی که بوسه بر جام قهرمانی نام داشت.

یک نفر تلاش می‌کردند. تیمی که تمامی نفرات به نوعی جانفدای کاپیتان و ابرستاره خود بودند و متحد شده بودند تا ستاره تیم در این جام مأموریت خود را به پایان ببرد. تبلور این از خودگذشتگی را می‌توان در رودریگو دی پائول هافبک دفاعی آلبی سلسله دید که نقش یک بادیگارد را در زمین برای مسی ایفا می‌کرد تا کاپیتان آرژانتین آزادانه و فارغ البال در زمین جولان دهد. این همان نکته‌ای بود که سبب شد تا مسی بتواند نقش کلیدی و محوری خود را در زمین ایفا کند و بدل به همان ستاره‌ای

آنها دست آخر به این حسرت طولانی پایان دادند تا لیونل مسی ابرستاره آرژانتین سرانجام به جام بوسه بزند. در توصیف این قهرمانی شورانگیز می‌توان دلایل بسیاری را برشمرد و ردیف کرد و به نکات فنی مهمی اشاره نمود اما وای تمامی مباحث فنی و تاکتیکی و عوامل ریز و دشت تأثیرگذار در قهرمانی راه راه پوشان، بی‌تردید یک ویژگی نقش کلیدی‌تری داشت. تیم کم ستاره جام جهانی ۲۰۲۲ یک کلونی واحد و متحد بود که جملگی اعضای آن برای موفقیت تیم و البته

آیسان سعیدی

روزنامه‌نگار ورزشی

قهرمان جام جهانی تیمی بود که کمتر کسی انتظارش داشت. تیمی که جام جهانی را بد و نومیدکننده آغاز کرد و سینه‌خیز خود را به مرحله بعد رساند اما هر چه بالاتر آمد، تیم‌تر شد و امیدوارتر به سمت جام حرکت کرد تا در نهایت به آرزوی دیرینه‌اش برسد و ۳۶ سال بعد جام را در آغوش بکشد. بی‌تردید آرژانتین برای قهرمانی

راموس دستکش به دست‌ها

سمیه مهدی‌پور

خبرنگار ورزشی

سنگربان استون ویلا این روزها منتظر است تا ببیند فصل بعد را کجا بازی می‌کند. بعد از قهرمانی جهان و نقش انکارناپذیری که در این مسیر داشت، حالا امیلیانو مارتینز می‌تواند چشم به باشگاه‌های بزرگ داشته باشد. او می‌تواند به هر تیمی دلش می‌خواهد برود. او حالا گلر شماره یک دنیاست. شاید بایرن مونیخ با توجه به مصدومیت نویر خیلی زود سراغش برود تا در نیم فصل جذبش کند. شاید هم فصل بعد به تیم دیگری رفت. نیوکاسل خوب پول می‌دهد. بقیه

باشگاه‌های بزرگ هم بدشان نمی‌آید تغییری درون دروازه خود بدهند. او سرچیزو راموس دنیای دروازه‌بانی است. گستاخ، بی‌رحم، بی‌ادب، جنگجالی و بسیار باکیفیت. آماده برای تحقیر کردن رقبای و مسخره کردنشان. او قطعاً یکی مثل کاسیاس نیست. حتی نویر هم نیست. او مرزهای اخلاق را راحت جابه‌جا می‌کند، کری می‌خواند، ادا‌های زشت در می‌آورد و می‌تواند جنگجالی و پرفروش باشد. باشگاه‌های زیادی هستند که می‌توانند از این سنگربان ۳۰ ساله بهره بگیرند. صحبت از رفتن از استون ویلا به جایی مثل اورتون نیست. مگر در اروپا چند دروازه‌بان قهرمان جهان شده‌اند؟



آینده در دستان اوست

آریا مقدم

خبرنگار ورزشی

وقتی به عربستان باختمند، به خودم گفتم جمعی کن بابا! تیمی که اسکالونی مربی‌اش باشد، از این بهتر نمی‌شود. همین مرحله گروهی حذف می‌شوند. خب؛ زمان اثبات کرد من و مارادونا اشتباه می‌کردیم. آن مرحوم هم اعتقاد داشت از این بشتر سرمربی در نمی‌آید حتی پیشنهاد داده بود او را به جام جهانی موتورکراس ببرند! می‌بینید؟ حتی من و مارادونا هم می‌توانیم اشتباه کنیم. پیش می‌آید. آیا اسکالونی مربی خوبی است؟ طبیعتاً کسی که در دو سال با تیمش یک

قهرمانی قاره‌ای و یک قهرمانی جهانی را به دست آورده مربی خوبی است. نمی‌توان انکار کرد. حالا اینکه او در میدان‌های دیگر چگونه خودش را نشان دهد، مشخص نیست. تا اینجا در سابقه مربیگری او نتایجی به چشم می‌خورد که تمام مربیان جهان حسرتش را دارند. با این همه، مربی را نباید با یک تیم سنجید. او باید در چند تیم ملی و باشگاهی دیگر کار کند تا معیار کارش بیشتر سنجیده شود. قطعاً رسیدن به قهرمانی جهان کار آسانی نیست و اسکالونی هم توانسته از این تیم با پتانسیل یک جام بیرون بکشد. جامی که چند دهه بود مربیان بزرگی به دنبال شکارش بودند و به جایی نرسیدند. جامی که تقریباً بهترین مربیان ملی

جهان چهار سال یکبار بخت رسیدن به آن را از دست می‌دهند. یادمان باشد اسکالونی هنوز بسیار جوان است و جا برای بیشتر کردن دایره افتخاراتش دارد. او می‌تواند خیلی راحت با یک تغییر مسیر حرفه‌ای وارد مسیر مربیگری باشگاهی شود و در بهترین باشگاه‌های دنیا کار کند. یادمان باشد او قهرمان جهان است. آیا در آرژانتین ادامه می‌دهد؟ معلوم نیست اما یادمان باشد کار او حالا خیلی دشوارتر از قبل است. انتظارات بالاتر رفته و پیشنهادات چرب و نرم برایش بیشتر و بیشتر هم می‌شوند.